اخبار

کمک ایجنت فوتبال به ارتش صهیونیستی

خون‌شوی

دنیای فوتبال همیشه پر از چهره‌های پرزرق‌وبرقی است که ظاهرشـان چیزی جز شهرت و قدرت مالی به نمایش نمی‌گذارد اما گاهی پرده کنار می‌رود و واقعیتی تلخ آشکار می‌شـود. یکی از بزرگ‌ترین ایجنت‌های فوتبال جهان که نامش در قراردادهای ده‌ها و صدها میلیون یورویی و انتقالات بزرگ بارها شنیده شده، این‌بار نه به‌خاطر بازیکنانش، بلکه به دلیل حمایت آشکار از ماشین جنگی رژیم اشغالگر در صدر خبرها قرار گرفته است.

لیلا حامد، خبرنگار مارکا، در گزارشـی افشاگرانه اعلام کرده کیسی واسرمن – مدیرعامل کمپانی واسرمن – بیش از ۱.۵ میلیون دلار به ارتش صهیونیستی و نهادهای حامیِ آن کمک مالی کرده است. او بخشی از این پول را مستقیماً به دوستانش در ارتش رژیم انتقال داده، بخشی دیگر را به سازمان راست‌گرای Stand With Us اختصاص داده و یـک میلیون دلار هم به کمپین‌های آیپک پرداخت کرده است؛ همان لابی پرنفوذی که سیاست‌های ضدفلسطینی را در آمریکا پیش می‌برد.

کمپانی واسرمن یکی از بزرگ‌ترین آژانس‌های ورزشی جهان است. بیش از ۱۲۰۰ فوتبالیست تحت مدیریت این مجموعه‌اند که ۴۳۰ نفرشان در معتبرترین لیگ‌های دنیا بازی می‌کنند. از فده والورده در رئال مادرید گرفته تا جان استونز و مانوئل آکانجی در منچسترسیتی یا کرتیس جونز در لیورپول. حتی مربیانی چون میکل آرتتا و انزو مارسکا نیز در لیست این ایجنت قرار دارند. به بیان ساده، واسرمن یک امپراتوری ورزشی است که اکنون با لکه‌ای خونین روی چهره‌اش مواجه شده است. خود وی نیز مسؤول برگزاری مسابقات المپیک تابستانی ۲۰۲۸ لس‌آنجلس است!

افشاگری اخیر البته بی‌سابقه نبود. پیش‌تر، اکتبر ۲۰۲۳، درسـت زمانی که غزه زیر محاصره و بمباران بود، کیسی واسرمن با افتخار برابر کمیته بین‌المللی المپیک ایستاد و گفت: «من بدون هیچ تردیدی با اسرائیل ابراز همبستگی می‌کنم». جمله‌ای که حالا معنایش با افشـای کمک‌های مالی او روشن‌تر می‌شود.

اینکه فردی با چنین کارنامه‌ای در رأس برگزاری المپیک ۲۰۲۸ قرار گرفته، پرسشی جدی پیش روی جامعه ورزش جهانی گذاشته است: چگونه مسؤولیت بزرگ‌ترین رویداد «صلح‌محور» ورزشـی دنیا به کسی سپرده می‌شود که در کنار ارتشی ایسـتاده که طی ۲۳ ماه اخیر دست‌کم ۸۱۰ ورزشکار فلسطینی را به شهادت رسانده است؟

ایـن ماجـرا یک بار دیگر نشـان داد فوتبـال، با همه جذابیت‌هایش، از دنیای سیاست جدا نیست؛ پشت پرده‌ای که گاهی خون و تجارت در آن به هم گره می‌خورد.

■■■

اعتراض متفاوت هواداران مادرید

دادگاه نتانیاهو در مترو

در روزهایی که خشـم عمومی از کشـتار مردم غزه در سراسـر اروپا در حال گسترش اسـت، هواداران فوتبال در مادرید ابتکاری تازه برای رسـاندن پیـام خود به نمایش گذاشـتند. این‌بار محل اعتراض نه ورزشگاه، بلکه متروی پایتخت اسپانیا بود؛ جایی که یکی از ایستگاه‌های شلوغ به نماد محکومیت رژیم تبدیل شد.

گروهی از هواداران فوتبال در مادرید با نصب برچسبی روی تابلو، نام ایستگاه «دادگاه مرکزی» را تغییر دادند و آن را به «دادگاه نتانیاهو» بدل کردند. این حرکت، به سرعت در فضای رسانه‌ای اسپانیا بازتاب یافت و خبرنگار مارکا نیز آن را «پیامی روشن از پایتخت» علیه جنایات رژیم صهیونیستی توصیف کرد.

این اقدام بخشی از کارزار جهانی «کارت قرمز به اسرائیل نشـان بده» است؛ کمپینی که تا امروز در ۲۳ کشور و ۸۸ ورزشگاه فوتبال به اجرا درآمده و هر روز دامنه آن گسترده‌تر می‌شـود. هدف اصلی این حرکت جمعی، رسـاندن پیام اعتراض به نهادهای ورزشی و افکار عمومی اروپا درباره نقش اسرائیل در کشتار مردم بی‌دفاع غزه است.

چند روز قبل نیز صحنه‌ای مشـابه در فوتبال انگلیس دیده شد؛ هواداران منچستریونایتد در آغاز فصل جدید لیگ برتر، با برافراشتن پرچم‌های ایران و فلسطین در استادیوم، خواستار محرومیت اسرائیل از سوی فیفا شدند. آن اتفاق، بازتاب وسیعی در رسانه‌های بین‌المللی داشت و حالا ابتکار هواداران رئال مادرید نشـان می‌دهـد این اعتراضات تنها محدود به زمین فوتبال نیست و حتی در فضای شهری هم ادامه پیدا کرده است.

به نوشته خبرنگار اسپانیایی، تغییر نمادین نام ایستگاه مترو در قلب مادرید، کنایه‌ای مستقیم به شخص نتانیاهو – به عنوان مسؤول اصلی جنایت‌های اخیر – بود و پیامی آشکار داشت: وجدان عمومی اروپا دیگر حاضر نیست برابر نسل‌کشی سکوت کند.

این روند رو به گسترش نشان می‌دهد فوتبال و هوادارانش، فراتر از یک سـرگرمی سـاده، به ابزاری جدی برای بیان اعتراضات سیاسـی و اجتماعی بدل شده‌اند؛ صدایی که از استادیوم‌ها به خیابان و حالا به متروی مادرید رسیده است.

■■■

مالک پرسپولیس وارد ماجرای ثبت قرارداد بازیکنان شد

سهام‌دار عمده باشگاه پرسپولیس به مشکل ثبت قرارداد بازیکنان این تیم ورود کرد.

به گزارش تسنیم، تیم فوتبال پرسپولیس به دلیل مشکل ثبت قرارداد بازیکنانش، با تیمی نصفه و نیمه به مصاف فجر سپاسی رفت. سرخپوشان در این بازی به دلیل عبور از سقف بودجه، قرارداد چند بازیکن اصلی خود را نتوانستند در سازمان لیگ به ثبت برسانند.

هـر چند روز گذشـته تلاش‌هایی از سـوی باشـگاه پرسپولیس برای اصلاح قرارداد بازیکنان و ثبت آنها در سازمان لیگ انجام شد اما تمام این تلاش‌ها بی‌فایده بود و در نهایت قراردادها ثبت نشد و صدور کارت بازیکنان نیز انجام نشد.

در همین راستا شنیده‌های خبرنگار تسنیم حاکی از آن است پس از این اتفاقات، مدیران ارشد بانک شهر به عنوان مالک باشـگاه پرسـپولیس به این موضوع ورود کرده‌اند و احتمالاً به‌زودی این مشکل برطرف خواهد شد.

ظاهراً جلسـه‌ای در همین باره با حضور مدیران ارشد بانک شهر برگزار و تدابیری برای ثبت قرارداد بازیکنان نیز در نظر گرفته شده است.

استقلال با غلبه بر تراکتور در تبریز نشان داد برای جبران آمده است

شروع رؤیایی آبی

محمد رشوند

شـروع لیگ بیسـت‌وپنجم برای بسـیاری از تیم‌های مدعی، مثل نخسـتین آزمون جدی بود؛ یک نقطه عطف که می‌توانست نشان دهـد چه کسـی آماده اسـت در مسـیر قهرمانی قدم بگذارد و چه تیمی هنوز در حال آزمون و خطاسـت. در همین بسـتر، جدال استقلال و تراکتور بیش از هر بازی دیگری زیر ذره‌بین قرار داشت؛ دیداری میان قهرمان فصل گذشته و تیمی که با عطش جبران ناکامی کم‌سابقه فصل قبل با قرارگیری در رتبه عجیب نهم، پا به میدان گذاشته بود.

آنچه در تبریز رخ داد، برای بسیاری از هواداران شوکه‌کننده بود. تیمی که در سوپرجام چند روز پیش، پرقدرت استقلال را مغلوب کرده بود، حالا در خانه برابر همان حریف، دست‌بسته و بی‌روحیه نشان داد. تک گل محمدحسین اسلامی کافی بود تا ورق برگردد و شاگردان ساپینتو لبخندزنان تبریز را ترک کنند.

■ تراکتور؛ بیدارباش در بهترین زمان

برای قهرمانی که تازه از جشـن بالا بردن سوپرجام بازگشته، هیچ چیز سخت‌تر از این نیست که در همان بازی نخست فصل دچار لغزش شود. تراکتورِ اسکوچیچ درست در چنین موقعیتی گیر افتاد. آنها تابستانی پرهیاهو را پشت سر گذاشتند، ستاره‌های تازه‌ای را جذب کردند و هواداران‌شان منتظر بودند تیم محبوب‌شان آغاز پرقدرتی داشته باشد.

اما ترکیب سرخ‌های تبریز به جای توفان، چیزی شبیه سکوت و ایست قلبی نشان داد. نه از فشار هجومی همیشگی خبری بود، نه از برنامه‌های پیچیده در خط حمله. بازیکنانی که در فاز تهاجمی به نام‌های بزرگ و قراردادهای سنگین شهره‌اند، حتی یک موقعیت جدی هم روی دروازه استقلال خلق نکردند.

اگر بخواهیم خوش‌بینانه نگاه کنیم، شاید همین لغزش ابتدایی بتواند برای تراکتور نقش یک هشدار را بازی کند؛ تلنگری که به تیم یادآوری می‌کند یک بار قهرمان لیگ شدن، تضمین موفقیت دوباره نیست. قهرمانی گذشته هیچ امتیازی برای امروز نمی‌آورد و لیگ امسال با حضور تیم‌های قدرتمندتر و بازیکنان باکیفیت‌تر، بی‌رحمانه‌تر از همیشه خواهد بود.

■ استقلالِ متفاوت ساپینتو

در سوی دیگر میدان، استقلالی حضور داشت که شباهتی به نسخه فصل گذشته‌اش نداشت. اگر پارسال آبی‌ها پراکنده، عصبی و بی‌برنامه بودند، حالا تیمی منسجم، باهوش و بی‌رحم را دیدیم. ریکاردو ساپینتو در فاصله چند روز، توانست شکست سوپرجام را تحلیل کند، نقاط ضعفش را پوشش دهد و تیمش را با طرحی تازه وارد زمین کند. نتیجه هم روشن بود: استقلالی که حتی وقتی توپ و میدان را در اختیار نداشت، باز هم آرامش خود را حفظ می‌کرد. اسـتقلالی که با پاس‌های سریع، دروازه‌بان و مدافعان تراکتور را تحت فشـار گذاشت و در نهایت با یک گل حساب‌شده، بازی را به سود خودش بست.

این تغییر فقط در نتیجه نبود؛ زبان بدن بازیکنان، اعتمادبه‌نفس آنها و نحوه مدیریت دقایق پایانی همه نشان داد آبی‌های تهران، در فصل جدید برای چیزهای بزرگ‌تری آمده‌اند.

■ خریدهای جدید، امیدهای تازه

یکی از تفاوت‌های کلیدی استقلال نسبت به فصل گذشته، عملکرد این تیم در نقل‌وانتقالات بود. مدیران باشـگاه برخلاف گذشته، دست به خریدهای متعدد زدند و حالا ترکیب استقلال پر اسـت از چهره‌های تازه‌ای که هر کدام می‌توانند نتیجه یک بازی را تغییر دهند.

در همین دیدار، نقش سعید سحرخیزان در صحنه گل نشان داد خریدهای جدید خیلی زود در حال اثبات کارایی‌شان هستند اما ماجرا فقط به همین‌جا ختم نمی‌شود. آبی‌ها هنوز چهره بزرگی مثل موسی جنپو را در ترکیب اصلی ندیده‌اند و بمب اصلی، یعنی یاسر آسانی، هنوز فرصت عرض اندام پیدا نکرده است. تصور کنید تیمی که همین حالا مدافع قهرمانی را در خانه‌اش شکست داده، تازه قرار است مهره‌های کلیدی‌تر هم به میدان بفرستد. این همان دلیلی است که باعث می‌شود بسیاری از کارشناسان معتقد باشند استقلال امسال رقیبی به‌مراتب هولناک‌تر از قبل خواهد بود.

■ تفاوت نگاه به نتیجه

اگر به جدول نگاه کنید، شاید فقط ۳ امتیاز ساده به حساب اسـتقلال و صفر امتیاز برای تراکتور ثبت شـده باشد اما فراتر از اعداد، آنچه در این مسابقه به نمایش درآمد، پیامی روشن داشت: استقلال تغییر کرده. این تیم دیگر آن حریف شکننده فصل گذشته نیست که با نخستین ضربه از پا دربیاید. البته قضاوت قطعی بعد از یک هفته لیگ، اشتباه است. استقلال برای تبدیل شدن به مدعی اصلی، باید ثبات داشته باشد و هفته‌های متوالی، همین نمایش را تکرار کند. با این حال، همین ۲ بازی نخست (سوپرجام و دیدار هفته نخست؛ هر ۲ مقابل تراکتور) تصویری کلی به دست می‌دهد؛ تیمی که توانسته از شکست اخیر درس بگیرد و در فاصله کوتاه، مسیر را اصلاح کند.

■ ترس پنهان رقبا

وقتی رقبای مستقیم استقلال به این عملکرد نگاه می‌کنند، نگران می‌شوند. پرسپولیس و سپاهان که خودشان برای قهرمانی برنامه‌ریزی کرده‌اند، خوب می‌دانند رویارویی با استقلالی که چنین سرعتی در ترمیم نقاط ضعف دارد، چه اندازه دشوار خواهد بود.

تیم سـاپینتو حالا هم تجربه تلخ فصل گذشته را در کارنامه دارد و هم ترکیب پرمهره‌تری نسبت به قبل. چنین تیمی اگر در هفته‌های ابتدایی روحیه بگیرد و زنجیره پیروزی‌ها را ادامه دهد، به کابوس رقبا تبدیل خواهد شد.

■ آینده نزدیک؛ آزمون‌های سنگین‌تر

لیگ بیست‌وپنجم تازه آغاز شده و مسیری طولانی در پیش است. استقلال باید نشان دهد برد در تبریز، فقط یک جرقه نبود. آزمون‌های دشوارتر هفته‌های بعد از راه می‌رسد و تیمی که امروز مدافع قهرمانی را شکست داده، باید ثابت کند می‌تواند برابر تیم‌های میانه جدولی و بازی‌های به ظاهر ساده هم با همان جدیت ظاهر شود. ساپینتو نیز به‌عنوان مرد پرتغالی نیمکت استقلال، حالا فرصت دارد نشـان دهد تجربه تلخ ۳ فصل پیش برایش درس‌آموز بوده است. او باید میان هیجان و آرامش تعادل ایجاد کند؛ تیمش را هم پرانرژی نگه دارد و هم از تصمیمات عجولانه بپرهیزد.

آنچه در تبریز اتفاق افتاد، بیش از یک برد ساده برای استقلال بـود. این پیروزی، پیام قدرت‌نمایـی بود؛ اعلام این حقیقت که آبی‌های پایتخت دوباره به مدار رقابت بازگشته‌اند و هیچ تیمی نباید آنها را دست‌کم بگیرد. در مقابل، تراکتورسواران هر چند باختند اما شاید همین لغزش زودهنگام بتواند چراغ اصلاح را برای‌شان روشن کند. شکست همیشه تلخ است ولی گاهی به‌موقع‌ترین تلنگر، درست در همان ابتدای فصل از راه می‌رسد تا تیم را بیدار کند.

فصل طولانی است، رقابت‌ها فرسایشی و سرنوشت قهرمان، حالا حالاها مبهم اما یک چیز از همین هفته نخست روشن شد: اسـتقلال امسـال با فصل گذشـته تفاوت دارد. هر قدر هم زود باشد، هواداران رقیب یک جمله را در ذهن مرور می‌کنند؛ از این استقلال باید ترسید.

سلاح ساپینتو در تبریز؛ درس، تاکتیک، پیروزی

عبرت از شکست گذشته

مهدی مرسلی

استقلال در شبی که بسیاری انتظار داشتند با احتیاط برابر مدافع عنوان قهرمانی ظاهر شود، با حرکتی غیرمنتظره معادله بـازی را تغییـر داد. شـاگردان ساپینتو درست از همان مسیری به تراکتور ضربه زدند که چند روز قبل در سـوپرجام از همان نقطه زمین آسیب دیده بودند. این بار آبی‌پوشان هوشمندانه شکست را به فرصت بدل کردند.

در سوپرجام، پوستونسکی با توپ‌گیری‌های سریع و انتقال بازی به عمق، استقلال را دچار مشکل کرده بود. ساپینتو که به خوبی آن ضعف را به خاطر داشـت، در تبریز نقش مشـابهی را به اندونگ سپرد. هافبک پرقدرت استقلال با مهار جریان بازی، توپ‌های سرنوشت‌ساز را در میانه میدان تصاحب کرد و بلافاصله با پاس‌های کوتاه و سرعتی، ماشین هجومی تیمش را روشن نگه داشت.

اندونگ تنها نبود. احمدی و اسـلامی با تحرک مداوم در کناره‌ها، بارها خط دفاع تراکتور را به هم ریختند. کوشکی نیز با حرکات عمقی‌اش حلقه آخر این ترکیب را کامل کرد تا چهارضلعی تهاجمی استقلال شکل بگیرد؛ الگویی که هر بار با جابه‌جایی‌های متوالی و هماهنگ، مدافعان میزبان را به سردرگمی می‌کشاند. در همین آشفتگی سحرخیزان، مهاجم دونده و فرصت‌طلب آبی‌ها، همیشـه در موقعیت مناسب حاضر می‌شد تا آماده زدن ضربه نهایی باشد.

اصل تاکتیک استقلال بر پر کردن فاصله‌های خالی میان خطوط اسـتوار بود؛ جایی که تغییـر موقعیت لحظه‌ای بازیکنان، تراکتوری‌ها را از پوشش درست بازمی‌داشت. در نهایت، یک پاس عمقی طلایی کافی بود تا دفاع میزبان از هم باز شود و استقلال کلید پیروزی را پیدا کند.

این بازی نشان داد ساپینتو و کادرش شکست‌های گذشته را تنهـا به‌عنوان یک خاطره تلخ نمی‌بینند، بلکه آن را به دفترچـه‌ای برای درس گرفتـن و اصلاح تبدیل کرده‌اند. اسـتقلال در تبریز ثابت کرد توانایـی دارد حتی حربه‌ای که علیهش به کار رفته را، به نقطه قوت بدل کند. چنین رویکردی نه‌تنها یک برد ساده، بلکه پیامی روشن برای رقبای آینده بود: استقلال در لیگ تازه، دیگر تیم فصل قبل نیست.

درگیری جنجالی تبریز

جدال ناتمام رفقا

استقلال، لیگ بیست‌وپنجم را با بردی شیرین آغاز کرد اما شادی این پیروزی خیلی زود زیر سایه حاشیه‌ای سنگین رفت؛ جدال لفظی احساسی میان ۲ ستاره باسابقه فوتبال ایران، شجاع خلیل‌زاده و رامین رضاییان.

از همان نیمه نخست بازی، جرقه‌های تنش میان این ۲ بازیکن روشن شد. برخوردهای فیزیکی در جریان بازی و دیالوگ‌های تند، نشانه‌ای بود از اینکه رابطه آنها در این میدان آرام نخواهد بود. پس از گل دقیقه ۶۷ استقلال که با پاس دیدنی سعید سحرخیزان و ضربه دقیق محمدحسین اسلامی به ثمر رسید، فشارها بیشتر شد. رامین با حرکات و صحبت‌هایش تلاش داشت تیم میزبان را عصبی کند و درست همین جا بود که شعله اختلافات با کاپیتان تراکتور به وضوح بالا گرفت.

هر چه مسابقه به لحظات پایانی نزدیک‌تر شد، فضای استادیوم شهید سلیمانی تبریز – هرچند خالی از تماشاگر – پرتنش‌تر شد. کار به اخطار داور به رامین کشید و همان جا بود که واکنش تند شجاع، فضای درگیری را از زمین به بیرون منتقل کرد. کلمات زننده ردوبدل شد و این ماجرا با سوت پایان مسابقه خاموش نشد. در راهروی منتهی به رختکن‌ها صحنه تازه‌ای شکل گرفت.

روایـت حاضـران حکایت از آن دارد که شـجاع که از جشـن استقلالی‌ها دلخور بود، این بار خودش برای مقابله مستقیم با رامین پیش‌قدم شد. مسؤولان ورزشگاه سریعاً درهای مسیر را بستند تا خبرنگاران چیزی نبینند و ماجرا از دید رسانه‌ها مخفی بماند.

با این حال، نشانه‌ها پنهان‌شدنی نبود. شجاع در زمان عبور از میکسدزون، نه‌تنها خنده همیشگی‌اش را به لب نداشت بلکه آشکارا خشمگین بود. او در مقابل پرسش خبرنگاران کوتاه جواب داد، با تأکید بر اینکه «رامین دوست من است» و بدون تمایل به توضیح بیشتر، محل را ترک کرد. تضادی آشکار میان حرف‌هایش و چهره برافروخته‌اش دیده می‌شد.

رامین با لبخندی محتاطانه در برابر خبرنگاران ایستاد و برخلاف انتظار، آشتی‌جویانه سخن گفت: «هرچه بود، در زمین فوتبال بود. شجاع برادر من است و همیشه برایم عزیز خواهد ماند». پاسخی که بیشتر تلاشی برای خاموش کردن آتش می‌مانست تا افزودن بر آن.

دیدار استقلال - تراکتور که حساس‌ترین بازی هفته اول بود، در نهایت با همان تک گل اسلامی به سود شاگردان ساپینتو تمام شد اما آنچه باقی ماند، نه صرفاً نتیجه روی تابلو، بلکه روایتی پرحاشیه از ۲ رفیق قدیمی بود که یک مسابقه داغ، آنها را مقابل هم قرار داد.

استقلال پیروز دوئل بزرگ هفته نخست

انتقام آبی در سکوت تبریز

علیرضا دارابی

ریکاردو سـاپینتو - سرمربی آبی‌پوشان- مانند نخستین دوره حضورش در استقلال، سیستم دفاع تیمش را در دومین بازی از ۳ نفره به ۴ نفره تغییر داد. فصل ۱۴۰۲- ۱۴۰۱ ایـن مربی در نخستین بازی‌اش مقابل سپاهان موریس در ورزشگاه آزادی، آرایـش ۳ دفاعـه را برگزید و آن بازی خانگی را با ۲ گل به هموطنـش باخت و از دومین بازی به دفاع ۴ نفره رو آورد. امسال هم وی همان کار را تکرار کرد؛ سوپرجام را با دفاع ۳ نفره و اشتباهات فردی مدافعان میانی‌اش به تراکتور واگذار کرد ولی در بازی دوم برابر همین تیم به دفاع ۴ نفره رو آورد که استحکام بیشتر این خط را نیز به همراه داشت. دومین تغییر سـاپینتو در نوع بازی تیمش بود، استقلال برخلاف بازی قبل و انتظار همگان، روش هجومی را برگزید که باید گفت منبعث از افزایش آمادگی تیمی و آنالیز مصاف قبلی با تراکتور بود. حضور سعید سحرخیزان در جمع ۱۱ بازیکن اصلی هم مهم‌ترین تغییر ترکیب استقلال بود.

اسکوچیچ هم اشتر کالی، مرد برتر بازی سوپرجام را از ابتدا به میدان فرستاد تا با تمرکز بر شم گلزنی او و حرکات انفجاری حسین‌زاده، پیروزی هفته پیش را تکرار کند. قطعا تکنیک و استارت‌های مهدی ترابی هم در تفکرات هجومی اسکو برای این بازی خانگی جایگاه ویژه‌ای داشت ولی مانند سوپرجام وی توسط رامین رضاییان بخوبی مهار شد تا جایی که مثل همان بازی جزو نخستین تعویض‌های این مربی کروات قرار گرفت؛ ترابی در هر ۲ بازی اخیر برابر اسـتقلال نتوانسـت توانائی‌های‌اش را ارائه دهد! این بازیکن دقیقه ۵۸ روی کار گروهی خوب تراکتـور، در ۱۸ قدم حریف صاحب فرصت خوبی شد ولی نتوانست در حد نام و توانش از آن بهره ببرد.

استقلالی‌ها نیمه اول، ضمن مهار میزبان صاحب توپ و میدان بودند ولی آنها نیز نتوانستند از این تصاحب، ثمری برچینند! آبی‌پوشان در تغذیه مهاجمان خود بویژه مهاجم نوک خود، سحرخیزان، ناتوان بودند و حتی نتوانستند از سانترهای متعددشان به رغم ضعف ادیب زارعی- دروازه‌بان سرخ‌پوشان تبریزی- در توپ‌های هوایی و خروج‌هایش حتی در ۶ قدم (محوطه دروازه‌بان) طرفی ببندند که البته بخشی از آن نیز به خاطر عملکرد خوب خط دفاع تراکتور روی این توپ‌ها بود. در این نیمه فقط یک بار علیرضا کوشکی دقیقه ۲۷ با جاگیری خوب روی سانتر رضاییان دروازه زارعی را با ضربه سـر تهدید کرد که توپ با فاصله کم از کنار دیرک مخالف راهی بیرون شد. دقیقه ۴۵+۱ نیز استقلال خطری جدی را ایجاد کرد که ۲ شوت پیاپی مهران احمدی فقط بدن مدافعان حریف را نشانه گرفت! مسلما حادثه ویژه این نیمه، خطای پنالتی ادیب زارعی روی سعید سحرخیزان بود که داور بازی، پیام حیدری، به اشتباه خطای مهاجم استقلال را اعلام کرد؛ در این صحنه سحرخیزان به توپ در حالی که در مالکیت دروازه‌بـان تراکتور نبود، ضربه زد و این دروازه‌بان با گرفتن پای او کاملا متوقفش کرد اما وار نیز به بررسی آن نپرداخت!

نیمه دوم همچون بازی هفته قبل ۲ تیم، با میدان‌داری شاگردان اسکوچیچ شروع شد. اگر چه دقیقه ۴۷ استقلال فرصت خطرناکی را با سانتر رضاییان و خروج بد زارعی خلق کرد که البته با عدم حضور به‌موقع مهاجمان استقلال ره به جایی نبرد ولی این میزبان بود که با کار گروهی بهتر حملاتی را روی دروازه میهمان تدارک دید. دقیقه ۵۴ روی پاس اشتباه مهران احمدی و ضدحمله سریع تراکتور، حسین‌زاده روی خط ۱۸قدم و در قلب دفاع آبی‌پوشان صاحب فرصت خوبی شد که ضربه بد او با فاصله از کنار دروازه آنتونیو آدان راهی خارج شد. شاگردان اسکو نیمه دوم بیشتر روی سمت چپ استقلال تمرکز کردند تا از فضای بین سهرابیان و جلالی و سـپس گودرزی با ارسال‌های اسماعیلی‌فر و سپس صادق محرمی اسـتفاده کنند. تراکتوری‌هـا در این نیمه با چند حرکت گروهی خوب، خطرات جدی‌ای را ایجاد کردند ولی آدان و خط دفاع هماهنگ اسـتقلال مانع به ثمر نشستن آن شدند. دقیقه ۶۷ برخلاف روند بازی، توپ‌ربایی به موقع احمدی و یک و دوی اسلامی و سحرخیزان در قلب دفاعی میزبان و متعاقب آن ضربه چیپ اسلامی، تک گل بازی را برای آبی‌پوشان پایتخت رقم زد. پس از این گل، باز استقلال چون سـوپرجام در لاک دفاعی فـرو رفت و تراکتور نیز بر حملاتش افزود؛ یکی از فرصت‌های خوب تی‌تی‌ها دقیقه ۸۵ خلق شد ولی شوت سرکش هاشم‌نژاد در میانه راه به مدافعان اسـتقلال برخورد کرد و به جای دروازه راهی کرنر شد. در این بازی ساختار دفاعی منظم استقلال اجازه پر کشیدن ۳ امتیاز حساس را نداد تا آبی‌پوشان پس از ۳ باخت پیاپی در تقابل‌های فصل گذشته و سوپرجام، این بار آن هم در تبریز، از مدافع عنوان قهرمانی انتقام گیرند و برای سـایر رقبا نیز خط و نشان بکشند.

رفتار ناپسند وحید با وحید

شأن فراموش‌شده

عبدالله دارابی

فوتبال بی‌رحم است، مثل زندگی. آنان که روزگاری نورچشمی بودند و برای‌شان سر و دست می‌شکستند را به طرفه‌العینی کنار می‌زند، بدون توجه به جایگاه و خدمات‌شـان! روزگاری در دهه ۹۰ پرسپولیس برای به خدمت گرفتن بازیکن جوان و انرژیک تیم ملی و باشگاه نفت تهران، شبانه حسین هدایتی را راهی اردوی تیم ملی کرد تا با همکاری خارج از عرف و قاعده سرپرست وقت تیم ملی و کنونی پرسـپولیس، زمینه جذب چندین ملی‌پوش که اتفاقا در تیررس باشـگاه رقیب نیز بودند مثل وحید امیری را فراهم سازد. پروسه با موفقیت کامل به پایان رسید و وحید امیری به همراه بیرانوند و سـیدجلال حسینی سرخ‌پوش شدند. وحید روزگار خوبی را با پرسپولیس طی کرد و علاوه بر جنبه فنی در سایر موارد نیز به باشگاه جدیدش در دوران حضورش متعهد ماند. او در کمک به پرسپولیس درون و بیرون زمین مضایقه نکرد، بازیکنی در خدمت تیم، موثر، تعیین‌کننده، گوش به فرمان و البته یار باشگاه در سختی‌ها. هنوز مسؤولان و هواداران این تیم نباید فراموش کرده باشند نقش اصلی در استقلالی نشدن و پرسپولیسی ماندن بیرانوند را همشهری او یعنی همین وحید امیری ایفا کرد؛ بازیکنی که متعهدانه پا وسط گود گذاشـت و با رفت و آمدهای متوالی بین خانه همبازی‌اش و دفتر باشگاه، بین طرفین را اصلاح و بیرانوند را راضی به ماندن کرد. کاری که همگان دیدند از دست باشگاه و مدیران و سرمربی‌اش در تقابل با بیرو و وکیلش برنیامده بود را امیری یک‌تنه و با احساس مسؤولیت و تعهد به فرجام رساند. کاپیتان دوم سرخ‌پوشان همچنین نقش چشمگیری در قهرمانی‌های پرسپولیس بویژه در سال‌های آخر داشت و غالبا چون آچار فرانسه برای تیمش بود. علاوه بر این مباحـث، او در دوران بازی‌اش از نظر اخلاقی نیز بازیکنی مودب، باشخصیت، بی‌حاشیه و دارای وجهه مقبولی بوده است. امیری در پایان لیگ بیست و چهارم با عدم پیشنهاد تمدید قرارداد از سوی مدیران پرسپولیس مواجه شد و در عین حال قهرمان لیگ (تراکتور) و باشگاه زادگاهش (خیبر خرم‌آباد) را خواهان خود دید اما مدیریت پرسپولیس با مشاهده جو منفی ناشی از نخواستن کاپیتان دوم‌شان، مجبور به تمدید قرارداد وی شد تا امیری پایان فوتبالش را در تیم محبوبش سپری کند. دقیقا مثل شرایط ناخواسته‌ای که در تمدید قرارداد کاپیتان اول‌شان به واسطه همان جو داشتند! با این تفاصیل در آستانه شروع لیگ برتر، سرمربی سرخ‌پوشان (وحید هاشمیان) عدم نیاز به این بازیکن سرشناس و محبوب تیمش را اعلام کرده، او را در لیست مازاد قرار داده و امیری جهت تمرین، جدا از سایر همبازیانش و به پشت دروازه تبعید شده، همچنین مشمول پول واریزی باشگاه به حساب بازیکنان نیز نشده است. این اقدام سوای مسـؤولیت سرمربی، قطعا تبعات و حواشی‌ای را برای هاشمیان، مدیریت و باشگاه پرسپولیس به همراه خواهد داشت. درست است مربیگری امری سلیقه‌ای است و سرمربی در امور فنی اختیار تام دارد (البته این مورد بنا بر شواهدی با شائبه‌هایی درباره هاشمیان همراه است) و اصول این سرمربی نیز برگرفته از فرهنگ خشک فوتبال آلمان اسـت و از طرفی امیری هم بابت سال‌ها حضور در پرسپولیس به پول خوب و شهرت رسیده ولی این طرز برخورد با یکی از بهترین‌های فنی و اخلاقی این باشگاه و فوتبال ایران در دهه اخیر نیز مناسب شأن و خدمات وی نیست. هاشمیان که خود یک سرمربی تحصیلکرده جوان ایرانی و در ابتدای راه است، حتما می‌داند فرهنگ فوتبالی ایران با آلمان متفاوت است و در فوتبال، الگوبرداری کامل از شیوه و فرهنگ کشورهای صاحب نام، بدون توجه به فرهنگ کشور استفاده‌کننده، تبعات فنی و روانی که خدشه‌ساز راه توفیق است نیز به همراه دارد. شایسته بود هاشمیان که خود گلایه‌های فراوانـی بابت کنار نهادنش از کادر فنی تیم ملی پس از برکناری اسکوچیچ داشت، مسیری ناخوشایندتر را برای کنار گذاشتن کاپیتان دوم تیمش انتخاب نمی‌کرد. حال آنکه در فوتبال دنیا نیز مرسوم است با عزل یک سرمربی از تیمی، دستیارانش هم مشمول عزل می‌شوند و این وجه طبیعی و معمول کار است ولی اینکه بازیکن اسم و رسم‌دار و بی‌حاشیه‌ای که مثل اکثر بازیکنان تیمش قبل از پیوستن سرمربی جدید، از سوی باشگاه و کمیته فنی آن تایید شده (ولو به دلایلی) و با وی قرارداد بسته شده است و همچنین سرمربی جدید از قابلیت‌های وی کاملا آگاه است را اینگونه و درست ۲ روز قبل از شروع لیگ، مازاد اعلام کنند، چندان با اصول جوانمردی، فرهنگ فوتبال ما و حتی رفتار حرفه‌ای و نیز شخصیت هاشمیان همخوانی ندارد. او می‌توانست بسیار زودتر از این عذر وحید امیری را محترمانه‌تر بخواهد. وجه نامقبول‌تر کار بیشـتر اینجاست؛ در زمانه رنگ باختن و افول «عرق به پیراهن در فوتبال ما» که حتی مدیران و مربیان را نیز شـاکی کرده است، با بازیکن مطرحی که پایبندی‌اش به این اصل کمیاب را نشان داده و در موارد گوناگون یار و یاور باشگاه و مسؤولانش بوده، چنین برخوردی نباید صورت گیرد.